



مرکز رویاها؛

روایت دانشجویان دختر از روزهای خانه نشینی



تکه‌ای با شاخ و برگ یاسمین و گل‌های ارغوان تزئین شده است. رنگ زیبایی دارد و عابران که لباس سنتی دوست دارند را در خود غرق می‌کند. اما در آن سوی این نخ‌های رنگ‌رنگ و گل‌های زیبا، رویاهای دختری به باد فنا رفته است. از پشت همین تارها بود که فوزیه در جست‌وجوی رویاهایش قدم برداشت و سه سال زنده‌گی‌اش را برای رسیدن به آن مایه گذاشت؛ سال‌هایی با چالش‌های فراوان و پرمشقت برای روزها خوش آیند. در آن مدت او دنیای کاری و آینده خودش را کشف می‌کرد...



ممنوعیت آموزش و نمایش کتاب؛

طالبان برای انحراف افکار عمومی نمایشگاه برگزار می‌کنند

هزاران پناهجوی افغان در بریتانیا بی‌خانمان خواهند شد

تعهدات قانونی خود در قبال پناهنده‌گان، کودکان و قربانیان برده‌داری مدرن پایند باشد. در جلسه بحران که تعدادی از پیمان‌کاران خصوصی وزارت امور داخله نیز حضور داشتند، مقام‌های انگلیسی همچنان درباره گزینه‌های «کم‌هزینه» برای جابه‌جایی بیش از ۵۰ هزار پناهجو که در هتل به سر می‌برند، بحث کردند.

با این حال، به سرعت مشخص شد که شوراها به دلیل کمبود شدید مسکن برای کمک کردن، با مشکل مواجه خواهند شد. سوناک پیش از این گفته بود که دولت وی برای کاهش تعداد پناهجویانی که در هتل‌ها زنده‌گی می‌کنند و گفته می‌شود روزانه شش میلیون پوند هزینه دارد، دو کشتی بزرگ دیگر را برای اسکان تقریباً ۱۰۰۰ پناهجو خریداری کرده است.

این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، شمار زیادی از شهروندان کشور به کشورهای اروپایی پناه بردند.

سرازیب شدن پناهجویان افغان و اوکراینی؛ بحران کمبود مسکن در بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی را دامن زده است.



به نوشته گاردین، پیش‌بینی می‌شود که سوناک امروز هم‌زمان با طرح کمیته پارلمانی با مشکل‌های بیشتری مواجه شود؛ زیرا این کمیته عنوان می‌کند که طرح مهاجرت غیرقانونی وی تعدادی از تعهدات بین‌المللی حقوق بشر را نقض می‌کند و به این معنا است که بریتانیا «به اکثریت قریب به اتفاق پناهنده‌گان پشت می‌کند».

در همین حال، کمیته مشترک حقوق بشر در گزارشی انتقادی از بریتانیا خواسته است تا نقش خود را در نظام جهانی حمایت از پناهنده‌گان ایفا کند و به

۸صبح، کابل: هزاران پناهجوی افغان که با برنامه «عملیات استقبال گرم» در بریتانیا به سر می‌برند، تابستان امسال از محل اسکان خود در هتل‌ها تخلیه می‌شوند و جایی برای اقامت ندارند.

روزنامه گاردین روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، این مطلب را گزارش داده است. در گزارش آمده است که مقام‌های شوراهای پناهنده‌گی به تازه‌گی در جلسه بحران به مقام‌های خانه شماره ۱۰ داوینگ استریت (دفتر نخست‌وزیر بریتانیا) و کارمندان وزارت این کشور هشدار داده‌اند که حدود هشت هزار پناهجوی افغان که در سال ۲۰۲۱ تحت شعار عملیات استقبال گرم وارد این کشور شدند، تا اوایل ماه اگست سال روان میلادی، به دلیل پایان ضرب‌الاجل دولت از هتل‌های محل اقامت خود تخلیه خواهند شد و جایی برای رفتن نخواهند داشت.

نشست روز پنجشنبه هفته گذشته بحران ساعتی پیش از آن که ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا، بی‌سر و صدا طرح بحث‌برانگیز قانون پناهنده‌گی سال گذشته را که یک سیستم دو لایه پناهنده‌گی را معرفی می‌کرد کنار بگذارد، برگزار شد.

۱۰۰ زندانی افغان از زندان‌های ایران به کشور منتقل شدند

۸صبح، نيمروز: منابع محلی در ولایت نيمروز از انتقال ۱۰۰ زندانی افغان از زندان‌های ایران به افغانستان خبر می‌دهند.

منابع روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این افغان‌ها به اتهام‌های مختلف در زندان‌های چهار ولایت ایران زندانی بودند و براساس توافق طالبان و جمهوری اسلامی ایران به کشور منتقل شده‌اند.

با این حال، مسوولان در نماینده‌گی وزارت امور خارجه طالبان در نيمروز می‌گویند که این زندانیان به این ولایت منتقل شده و در محبس نيمروز انتقال یافته‌اند.

به گفته آنان، این زندانیان قرار است باقی حبس خود را در محبس نيمروز سپری کنند. این در حالی است که پیش از این نیز ایران و طالبان براساس توافق حدود دو هزار زندانی افغان که در زندان‌های ایران زندانی بودند را به افغانستان منتقل کردند.

دو تن طی ۲۴ ساعت گذشته در هرات و زابل خودکشی کردند



۸صبح، زابل: منابع محلی در ولایت‌های زابل و هرات می‌گویند که دو تن در این ولایت‌ها خودکشی کرده‌اند.

در رویداد نخست، یک مرد ۳۸ ساله روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، در ساحه خرواری از مربوطات شهر قلات خود را حلق‌آویز کرد. در همین حال، منابع در ولایت هرات می‌گویند که یک پسر جوان، شنبه‌شب، ۲۰ جوزا، در منطقه «محل دشت» ولسوالی گذره این ولایت خود را حلق‌آویز کرد و به زنده‌گی‌اش پایان داد. هویت هردو قربانی و انگیزه این خودکشی‌ها مشخص نیست.

مسوولان محلی طالبان در هرات و زابل در مورد این رویدادها ابراز نظر نکرده‌اند. با تسلط دوباره طالبان بر کشور، شمار خودکشی‌ها در میان جوانان و بزرگسالان به دلیل مشکلات اقتصادی و خانوادگی افزایش یافته است. در یک ماه گذشته دست کم ۲۵ تن به شمول ۱۳ زن و ۱۲ مرد در ولایات مختلف کشور خودکشی کرده‌اند.

هیولای فرانکشتاین؛ ارتش پاکستان و عمران خان



وعده سرخرمن طالبان؛ مردم از کندی کار بازسازی شاهراه کابل-قندهار شکایت دارند





افغانستان و فقدان حافظه تاریخی

تاریخ بشر آکنده از رویدادهای خوب و بد، گوارا و ناگوار و تلخ و شیرین است. فلسفه نگارش تاریخ و ثبت رویدادها این است که از تکرار لغزشها خودداری شود و تجارب سودمند گذشته تداوم پیدا کند. حافظه تاریخی از طریق ثبت و نگارش رویدادهای تاریخی شکل می‌گیرد و آگاهی همه‌گانی را به پخته‌گی و شکوفایی می‌رساند. از این جهت است که آثار باستانی، مدارک تاریخی و شواهد عینی رویدادها اهمیتی ویژه در جهان دارد و کشورها به حفظ و نگهداشت آن‌ها توجه خاص نشان می‌دهند. از این گذشته، در کشورهای رشدیافته کوشش می‌شود که آن بخش‌هایی از تاریخ که با زنده‌گی آموزشان پیوند مستقیم دارد، در قالب تندیس‌ها، نمادها، سنگ‌نوشته‌ها، داستان‌ها، فلم‌ها، شعرها، نمایش‌نامه‌ها و مانند این‌ها به نمایش گذاشته شود تا حافظه تاریخی دچار فراموشی نشود و به تکرار خطا و بروز فاجعه بیشتر از یک بار اجازه ندهد.

در افغانستان حافظه تاریخی وجود ندارد؛ زیرا آثار فراوانی از گذشته در اختیار نداریم. این را هنگامی می‌توانیم دریابیم که به موزیم‌های جهان سری بزنیم و ببینیم که چگونه و با چه دقتی از تاج شاهان تا شمشیر جنگاوران تا آثار قلمی نویسنده‌گان تا فراورده‌های هنری هنرمندان نگهداری می‌شود. چنین آثاری است که مرز واقعیت و افسانه را برجسته می‌کند و اجازه نمی‌دهد روایت‌های ساخته‌گی از گذشته به جای واقعیت‌های تاریخی بنشینند. در افغانستان، در مقایسه با سایر کشورها آثار بسیار اندک و ناچیزی از گذشته داریم و از آن چه وجود دارد، هیچ استفاده‌ای در بازخوانی گذشته صورت نمی‌گیرد، هرچند که این آثار اندک برای بازخوانی گذشته کفایت هم نمی‌کند. طبیعی است که در فقدان مدارک تاریخی، گذشته به تخته سفیدی می‌ماند که هر کس می‌تواند نقش دلخواه خود را بر آن ترسیم کند و مثلاً از تمدن پنج‌هزارساله و مانند این‌ها بسراید، اما واقعیت تلخ این است که ما حتا از همین دیروز و پریروز خود اسناد کافی در اختیار نداریم، از همین ۱۵۰ سال اخیر، از سند مرز دیورند گرفته تا اسناد مربوط به جنبش مشروطیت، جنبش اسلام سیاسی، جنبش چپ، جهاد در برابر شوروی، ظهور طالبان، سقوط جمهوریت و نحوه تصمیم‌گیری‌ها در تاریک‌خانه‌های رهبری طالبان.

در غیاب آثار معتبر و قابل آزمایش، هر کس می‌تواند روایت خاص خود را مطابق با خیالات و تمنیات خویش بسازد و به عوض تاریخ عرضه کند؛ کاری که شماری از قلم‌به‌دستان سیاسی برخی از جنبش‌ها کرده‌اند؛ کاری که هرچند در جای خود سودمند است، اما نمی‌تواند بازتاب‌دهنده وقایع عینی تاریخی باشد. هنگامی که آثار و مدارک تاریخی کافی وجود ندارد و تلاش برای بازخوانی گذشته به صورت روش‌مند و پذیرفته‌شده انجام نمی‌شود، حافظه تاریخی نیز دچار گسست‌ها و آشفته‌گی‌های فراوانی می‌شود؛ البته اگر چیزی به نام حافظه تاریخی اساساً وجود داشته باشد. فقدان حافظه تاریخی است که زمینه تکرار لغزش‌ها و فاجعه‌ها را فراهم می‌آورد و در نتیجه آن، دولت‌ها در این خطه به صورت پیهم سقوط می‌کنند، جنگ‌ها به صورت دورانی شعله‌ور می‌شوند، چیزهایی به نام ثبات، توسعه، ترقی و بالنده‌گی در این جامعه پدیدار نمی‌گردد و زنده‌گی یک ملت از چنگ بحران‌ها و توفان‌های بی‌پایان رهایی ندارد. اگر ما حافظه تاریخی می‌داشتیم و از آن چه در سال‌های ۹۰ میلادی گذشته رخ داد درس می‌گرفتیم، جمهوریت به فساد و تباهی در نمی‌غلطید، طالبان دوباره به قدرت بر نمی‌گشتند، کشور به این بن‌بست و بی‌سرانجامی نمی‌رسید و مردم به این درمانده‌گی گرفتار نمی‌شدند.

کمیسیون حقوق بشر: اخراج پناهجویان افغان از پاکستان جان آنان را به خطر می‌اندازد



۸صبح، کابل: کمیسیون حقوق بشر افغانستان با ابراز نگرانی در مورد اخراج اجباری صدها پناهجوی افغان از پاکستان که به دلیل ترس از طالبان به این کشور پناه برده‌اند، می‌گوید که آنان قربانیان اصلی جنگ، بحران سیاسی و معضلات اجتماعی در افغانستان هستند. این کمیسیون روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، در اعلامیه‌ای گفته است که پولیس پاکستان در این اواخر، به بازداشت و اخراج گسترده پناهجویان و مهاجران افغان در این کشور پرداخته است. در اعلامیه این نهاد آمده است: «اخراج این پناهجویان سرگردان، فاجعه‌بار بوده و جان تعداد زیادی از فعالان حقوق بشر، زنان معترض، دادستان‌ها، وکلای مدافع، نظامیان و کارمندان حکومت پیشین، فعالان رسانه‌یی، هنرمندان، دگراندیشان و فعالان سیاسی را با خطر بسیار جدی مواجه می‌سازد.»

کمیسیون مستقل حقوق بشر، از حکومت پاکستان خواسته است که از اخراج پناهجویان افغان اجتناب کند.

این نهاد گفته است که به کمک‌هایش در بخش جلوگیری از سوءتغذیه کودکان نیازمند در افغانستان، ادامه می‌دهد.

براساس گزارش نهادهای کمک‌کننده، سوءتغذیه کودکان در کشور به دلیل چالش‌های روزافزون اقتصادی خانواده‌ها افزایش یافته است.

برنامه صحتی جهان در ماه گذشته میلادی نیز اعلام کرد که حدود ۲۰ میلیون شهروند افغانستان در یک قدمی ابتلا به سوءتغذیه قرار دارند.

این سازمان در حالی از ارائه خدمات برای جلوگیری از سوءتغذیه کودکان در کشور خبر می‌دهد که چندی پیش دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) از کاهش بودجه کمک‌های جهانی به مردم افغانستان ابراز نگرانی کرد.

این کمیسیون همچنان خواهان گفت‌وگوی فوری و جدی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناه‌هنده‌گان با دولت پاکستان در خصوص جلوگیری از آزار و اذیت مهاجران و اخراج اجباری آنان شده است.

این نهاد تصریح کرده است: «از گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور افغانستان، کمیسیون حقوق بشر پاکستان و سایر ماموریت‌ها و ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی تاثیرگذار می‌خواهیم تا وضعیت حقوق بشری پناهجویان افغان در پاکستان را بررسی کنند.»

کمیسیون حقوق بشر افغانستان در حالی خواهان توقف فوری بازداشت پناهجویان افغان در پاکستان شده که در چند روز اخیر دولت این کشور اقدام به اخراج گسترده پناهجویانی کرده است که زنده‌گی‌شان در افغانستان زیر کنترل طالبان با خطر مواجه است.

طبق آخرین آمارها، پولیس پاکستان دست‌کم ۲۵۰ پناهجوی افغان در اسلام‌آباد را طی چند روز اخیر بازداشت و زندانی کرده است.

بیش از ۴۰۰ هزار کودک در افغانستان خدمات درمانی سوءتغذیه دریافت کرده‌اند



۸صبح، کابل: برنامه جهانی غذا می‌گوید که برای بیش از ۴۰۰ هزار کودک در افغانستان، خدمات پیش‌گیری و درمان سوءتغذیه ارائه کرده است. بخش افغانستان برنامه جهانی غذا (WFP)، روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، در توییتی نوشته است که این نهاد در همکاری با آلمان، ایتالیا، اتحادیه اروپا، جاپان، فرانسه و کوریای جنوبی به کودکانی که

خانواده‌هایشان با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند و توان تغذیه سالم فرزندان‌شان را ندارند، کمک کرده است.

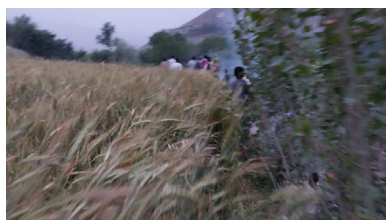
این نهاد گفته است که به کمک‌هایش در بخش جلوگیری از سوءتغذیه کودکان نیازمند در افغانستان، ادامه می‌دهد.

براساس گزارش نهادهای کمک‌کننده، سوءتغذیه کودکان در کشور به دلیل چالش‌های روزافزون اقتصادی خانواده‌ها افزایش یافته است.

برنامه صحتی جهان در ماه گذشته میلادی نیز اعلام کرد که حدود ۲۰ میلیون شهروند افغانستان در یک قدمی ابتلا به سوءتغذیه قرار دارند.

این سازمان در حالی از ارائه خدمات برای جلوگیری از سوءتغذیه کودکان در کشور خبر می‌دهد که چندی پیش دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) از کاهش بودجه کمک‌های جهانی به مردم افغانستان ابراز نگرانی کرد.

خانه ظاهر اغبر در پنجشیر آتش گرفت



۸صبح، پنجشیر: منابع محلی در ولایت پنجشیر می‌گویند که خانه جنرال ظاهر اغبر، سفیر افغانستان در تاجیکستان در این ولایت آتش گرفته است. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که آتش‌سوزی از حوالی ساعت ۶:۰۰ عصر روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، در خانه آقای اغبر در روستای پیماوش ولسوالی رخه آغاز شده است و تا کنون ادامه دارد. به گفته منابع، طالبان از این خانه منحیت قرارگاه

نظامی‌شان استفاده می‌کردند. هرچند تا کنون انگیزه و عاملان آتش‌زدن این خانه مشخص نیست، اما منابع مردمی، طالبان را عامل رویداد می‌دانند.

منابع مدعی‌اند که طالبان به ساکنان محلی اجازه خاموش کردن این آتش‌سوزی را نمی‌دهند.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

بربنیاد یافته‌های روزنامه ۸صبح، در جریان هفت ماه گذشته دست‌کم دو باب مکتب، ساختمان ریاست معارف و خانه فضل احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پیشین، در پنجشیر دچار آتش‌سوزی شده است.

پیش از این، مسوولان محلی طالبان در پنجشیر وقوع این آتش‌سوزی‌ها را «تصادف» و «بی‌احتیاطی» جنگ‌جویان این گروه عنوان کرده بودند.

باشنده‌گان محل اما می‌گویند که افراد طالبان به گونه «عمدی» دست به اقدام‌های «انتقام‌جویانه» می‌زنند.

یک عضو شورای شهر تهران: مهاجران افغان انواع امراض را وارد ایران کرده‌اند

۸صبح، کابل: یک عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته است که مهاجران افغان «عامل ورود انواع امراض به ایران» هستند.

رسانه‌های ایرانی روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، گزارش داده‌اند که ناصر امانی، عضو شورای اسلامی شهر تهران در بازدید از «محل شوش»، افزایش اجاره بهاء در این منطقه را متأثر از حضور مهاجرانی که او آن‌ها را «اتباع بیگانه» نامید، دانسته است.

او با بیان این که ۶۰ درصد محل شوش بافت فرسوده می‌باشد، گفته است: «وجود اتباع بیگانه از مشکلات این منطقه است و ۵۰ درصد ساکنان اتباع بیگانه هستند.»

او ادعا کرده است: «واحدهای مسکونی ۴۰ تا ۵۰ متری توسط ۳۰ نفر اجاره شده‌اند و همین مساله باعث افزایش شدید اجاره بهاء شده است.»

به گفته امانی، مهاجران افغان عامل «ورود انواع امراض به ایران» هستند و در محل شوش مردم نگران فرزندان خود می‌باشند.

وی تصریح کرده که شهرداری تهران ۳۷ خانه دودی را شناسایی کرده است که اکثر ساکنان آن «اتباع بیگانه» هستند.

این در حالی است که در روزهای اخیر و پس از افزایش تنش‌ها میان طالبان و جمهوری اسلامی ایران، وضعیت پناهجویان افغان در آن کشور نیز وخیم شده است.

ایران، همسایه غربی افغانستان همواره به نقض حقوق مهاجران افغان و برخورد خشونت‌آمیز با آنان متهم شده است.

این کشور میزبان میلیون‌ها مهاجر از افغانستان است.

گفته می‌شود که در پی تسلط دوباره طالبان بر کشور، صدها هزار شهروند این کشور به ایران مهاجر شده‌اند.



کار ساخت دو باب مکتب در پکتیکا با هزینه شخصی مردم آغاز شد

۸صبح، پکتیکا: منابع محلی در ولایت پکتیکا می‌گویند که کار ساخت‌وساز تعمیر دو باب مکتب ابتدایی با هزینه شخصی مردم در این ولایت آغاز شده است.

کار ساخت این مکتب‌ها روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، در روستای «پارک» ولسوالی یحیاخل و ولسوالی اومنه این ولایت آغاز شده است.

هزینه ساخت این مکتب‌ها، نزدیک به ۵۰۰ هزار افغانی برآورد شده است و از سوی باشنده‌گان این ولسوالی‌ها پرداخت می‌شود.

یک باشنده محل گفته است که هرکدام این مکتب‌ها دارای سه صنف درسی و یک اتاق اداری است و با تکمیل شدن کار آن، برای نزدیک به ۲۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر زمینه آموزش فراهم خواهد شد.

براساس اطلاعات، بیش از نیم مکتب در ولایت پکتیکا، فاقد تعمیر است و دانش‌آموزان در فضای باز یا در تعمیرهای موقتی درس می‌خوانند. این در حالی است که پس از تسلط دوباره طالبان در کشور، این گروه به ساخت مکتب توجه چندانی نکرده است و مردم ناگزیر شده‌اند خود زمینه آموزش برای کودکان‌شان را فراهم کنند.

طالبان برای انحراف افکار عمومی نمایشگاه برگزار می کنند

طالبان پس از اعمال ممنوعیت‌های گسترده بر آموزش دختران و زنان، فعالیت همه موسسه‌های بین‌المللی در زمینه آموزش به استثنای یونیسف را در کشور منع کرده‌اند. این گروه به دنبال واکنش‌های گسترده داخلی و خارجی مبنی بر منع فعالیت‌های آموزشی سازمان‌های خارجی، نمایشگاه یک‌هفته‌ای کتاب را در شهر کابل برگزار کرده‌اند. این در حالی است که کتاب‌فروشان از کساد بازار کتاب شکایت دارند و این اقدام‌های طالبان را نمایشی و تلاش برای انحراف افکار عمومی می‌خوانند. به گفته برخی آنان، طالبان با اعمال ممنوعیت‌های آموزشی، ضربه جبران‌ناپذیر به کار آنان وارد کرده‌اند. این کتاب‌فروشان تاکید می‌کنند که با سلطه طالبان، واردات کتاب در کابل به صفر تقرب کرده و صدها جلد کتاب در کتاب‌فروشی‌های آنان بی‌خریدار مانده است.



امین کخوار

وزارت اطلاعات و فرهنگ تحت کنترل طالبان، روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، نمایشگاه یک‌هفته‌ای کتاب را در همکاری با شماری از ناشران و کتاب‌فروشان در پارک زرنگار شهر کابل برگزار کرده است. معینیت امور نشریاتی و ریاست انتشارات کتب بیهقی این وزارت، اعلام کرده که به مناسبت «هفته کتاب» این نمایشگاه را با همکاری بیش از ۱۵۰ ناشر و کتاب‌فروش، برگزار کرده که در آن صدها جلد کتاب در بخش‌های مختلف به نمایش گذاشته شده است.

در همین حال، شماری از ناشران و کتاب‌فروشان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح، اعمال ممنوعیت‌های طالبان را مانع اصلی رشد و توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی و رونق بازار کتاب در کشور می‌دانند. این کتاب‌فروشان تاکید می‌ورزند که با سلطه این گروه بازار کتاب سقوط کرده و علاقه‌مندی مردم نسبت به مطالعه به شدت کاهش یافته است. آنان برگزاری این نمایشگاه‌ها را بازی با افکار عمومی و نمایشی تلقی می‌کنند. به گفته ناشران و کتاب‌فروشان، طالبان به جای برگزاری این نمایشگاه‌های «میان‌تهی»، دست از سیاست تحریم و ممنوعیت در بازار کتاب و نشر آن بردارند.



کتاب، زیاد وجود دارد. سرمایه‌گذاری هنگفت کرده‌ام، اما حال نمی‌توانم نان صبح و شام خود را از این سرمایه‌گذاری پیدا کنم.»

یکی دیگر از ناشران که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، در صحبت به روزنامه ۸صبح می‌گوید که واردات کتاب به صفر رسیده و صدها عنوان کتاب در بخش‌های فلسفه، سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در گدام‌ها باقی مانده و به فروش نرسیده است. او می‌افزاید: «بیشتر فروشات ما وابسته به دانشگاه‌ها بود. حال که نه دانشگاهی مانده و نه درس است و نه امید، مجبوریم کتاب‌هایمان را بیرون کنیم که شمال بزند از نم کشیدن و پوسیدنش جلوگیری شود. طالب با این پدیده‌ها بیگانه است و در دو سال گذشته واردات ما به صفر رسیده است. نه کتاب وارد کرده‌ایم نه چاپ کرده‌ایم و نه هم کسی است که کتاب بخرد.»

ناشران و کتاب‌فروشان در حالی برگزاری نمایشگاه کتاب از سوی طالبان را نمایشی و انحراف افکار عامه می‌دانند که این گروه، هفته گذشته اعلام کرده که فعالیت همه موسسه‌های بین‌المللی در عرصه آموزش، منع است. براساس دستور وزارت معارف تحت کنترل این گروه، موسسه‌های فعال در زمینه آموزش، مکلف شده‌اند تا همه پروژه‌ها و تجهیزات خود را به اداره معارف این گروه تحویل دهند. با این حال، منابع در ولایت سرپل به روزنامه ۸صبح گفته‌اند، طالبان در این ولایت دستور داده‌اند که فعالیت همه سازمان‌های داخلی و خارجی که در بخش آموزش فعالیت داشتند را متوقف کرده‌اند.

این اقدام طالبان باعث واکنش‌های گسترده داخلی و خارجی شده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در واکنش به اعمال این ممنوعیت طالبان، آن را خلاف موازین حقوق بشری خوانده است. این کمیسیون گفته است که طالبان باید از رویکردهای «ضد منطقی و ظالمانه» دست بردارند. از سوی دیگر، هدر بار، مسوول بخش زنان دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد، در توییتی نوشته است که تفاوت اصلی میان طالبان فعلی و دهه ۹۰، تنها در این است که طالبان کنونی اجازه رفتن دختران پایین‌تر از سن ششم به مکتب را داده‌اند. او افزوده است که ممکن رژیم طالبان رفتن دختران تا سن ششم به مکاتب را نیز ممنوع کند.

شاکی‌اند. آنان از طالبان می‌خواهند که شرایط بهتر را برای واردات کاغذ فراهم سازند تا کتاب به قیمت مناسب در افغانستان چاپ و نشر شود. به گفته این کتاب‌فروشان قیمت کتاب گزاف است و متقاضیان بنا بر مشکلات اقتصادی و بیکاری، کتاب خرید نمی‌توانند. علی شمس (مستعار)، یکی از کتاب‌فروشان که در نمایشگاه کتاب پارک زرنگار اشتراک کرده، در صحبت با روزنامه ۸صبح، در مورد عدم رشد فرهنگ مطالعه می‌گوید: «مردم علاقه‌مند مطالعه نیستند. این موضوع ناشران را با چالش مواجه ساخته است. کسی کتاب نمی‌خرد، اما کرایه مارکیت و مالیه پرداخت می‌شود که بار سنگین بر دوش ناشران است. واردات کاغذ بسیار به قیمت بلند عرضه می‌شود. اگر کتاب نشر شود، قیمت بسیار بلند است و متقاضی نمی‌تواند آن کتاب را تهیه کند.»

بابک بهروزیان (مستعار) کتاب‌فروش دیگر در شهر کابل، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که از روی مجبورت و بیکاری در این نمایشگاه اشتراک کرده است. به گفته او در جریان یک روز مکمل نمایشگاه نتوانسته پنج جلد کتاب بفروشد. آقای بهروزیان می‌گوید: «کسی که کتاب می‌خواند، از حضور طالب در نمایشگاه کتاب هم بیزار می‌شود. از اول نمایشگاه تا ۴:۰۰ عصر، پنج جلد کتاب نفروختم، ولی از روی ناچاری اشتراک کردم. کرایه دکان گزاف است. ممنوعیت‌هاست. امر و نهی در فروش

ناشران و کتاب‌فروشان کابل، منع آموزش دختران و زنان را از عوامل دیگر کاهش خرید در بازار کتاب می‌دانند. به گفته آنان، بخشی بزرگ از مشتریان‌شان را دانش‌آموزان و دانشجویان دختر تشکیل می‌داد، اما وضع سیاست‌های «تبعیض‌آمیز» و «زن‌ستیزانه» طالبان، افزون بر محرومیت از حق آموزش، بازار کتاب را نیز با سقوط کامل مواجه ساخته است. آنان تاکید می‌ورزند که علاوه بر این، استادان زن در دانشگاه‌ها که بیش از شش ماه می‌شود از تدریس منع شده‌اند، بخشی از مشتریان کتاب را تشکیل می‌دادند که با خانه‌نشینی آن‌ها، ضربه دیگری بر صنعت چاپ‌ونشر وارد گردیده است.

با این حال، شماری دیگر از ناشران و کتاب‌فروشان، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که عدم سیاست حمایتی طالبان، بیکاری و مشکلات اقتصادی مردم از چالش‌های عمده کاهش فرهنگ مطالعه و از رونق افتادن بازار کتاب است. به گفته آنان، اکثریت مردم به دلیل بحران فقر و گرسنگی، توانایی خرید یک جلد کتاب را ندارند. این کتاب‌فروشان از طالبان می‌خواهند که با ایجاد کتابخانه‌های عامه در سطح ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، زمینه دسترسی آسان‌تر به کتاب و مطالعه را مساعد سازند و از صنعت نشر و چاپ حمایت کنند. ناشران و کتاب‌فروشان می‌گویند که در نمایشگاه «هفته کتاب» در کابل اشتراک کرده‌اند، از بلند بودن قیمت کاغذ نیز

وعده سرخرمن طالبان؛

مردم از کندی کار بازسازی شاهراه کابل - قندهار شکایت دارند

۸ صبح، غزنی



غزنی که همه‌روزه در این مسیر رفت‌وآمد دارد، می‌گوید که تاخیر در کار بازسازی شاهراه کابل-قندهار شکایت دارند و می‌گویند که در جریان یک سال گذشته آنان حین تردد در این جاده با چالش‌های فراوان روبه‌رو هستند. به گفته مردم، کار بازسازی این جاده پیش‌رفت چشم‌گیری ندارد. طالبان در جوزای سال گذشته تعهد دادند که تا ۹ ماه کار این شاهراه را تمام می‌کنند، اما اکنون آنان حتا نتوانسته‌اند ۲۰ درصد کار را تکمیل کنند. این در حالی است که بخش زیادی از این شاهراه به دلیل اقدامات طالبان تخریب شده است. براساس آمار حکومت پیشین، طالبان در دوران جنگ‌های شان حدود ۲۰۰ پل و پلیچک را در این مسیر تخریب کرده‌اند. گفتنی است که این شاهراه ولایت‌های جنوبی و غربی را با مرکز و ولایت‌های جنوب‌شرقی کابل وصل می‌کند. شاهراه کابل-قندهار از بزرگ‌ترین شاهراه‌های افغانستان است که ولایت‌های جنوبی و غربی و برخی از ولایت‌های مرکزی و جنوب‌شرقی را با کابل وصل می‌کند. خرابی این شاهراه بزرگ ترانزیتی کشور برای مسافران در جریان سفر و بازرگانی که از این مسیر اموال بازرگانی‌شان را انتقال می‌دهند، سبب ایجاد مشکلات جدی شده است. هرچند در اواخر دوره جمهوری نیز کارهای مقدماتی سروی بازسازی این شاهراه آغاز شده بود، اما به علت سقوط نظام، این کار نیمه‌تمام ماند. این شاهراه حدود ۲۰۰ سال پیش به ارزش ۱۸۰ میلیون دالر کمک جاپان، امریکا و عربستان سعودی از سوی یک شرکت سرک‌سازی ترکی قبریزی شده بود، اما بسیاری از بخش‌های آن در اثر انفجار ماین‌های جاسازی‌شده

کیلومتری از چوک ارغنده تا دروازه غزنی را تکمیل نتوانسته‌اند و به جز بازسازی سه پلیچک، کار دیگری در این مسیر صورت نگرفته است.

حالا که بیشتر از یک سال از این وعده وزارت فواید عامه طالبان می‌گذرد، عدم تکمیل بازسازی این شاهراه شکایت مردم را برانگیخته است. منابع معتبر از ولایت میدان‌وردک به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که طالبان بخش‌هایی از این شاهراه عمومی را در مربوطات این ولایت با انداختن خاک و گل ترمیم می‌کنند. یک منبع تاکید دارد که مقام‌های طالبان در وزارت فواید عامه این گروه، پیش از این اعلام کرده‌اند که کار ترمیم و بازسازی این جاده را از ساحه درانی میدان‌وردک تا دروازه غزنی که ۹۰ کیلومتر طول دارد، آغاز کرده‌اند و در این پروژه ۴۰۰ میلیون افغانی هزینه خواهد شد. به گفته منابع از این ولایت، طالبان کار بازسازی این جاده را بزرگ‌نمایی کرده‌اند و در عمل اراده و ظرفیتی برای ترمیم اساسی این شاهراه را ندارند. محمدعباس، یکی از راننده‌گان مسیر شاهراه کابل-

توسط طالبان، عبور و مرور وسایط تناژبلند و عدم حفظ و مراقبت تخریب شده است. در برخی از گزارش‌ها به نقل از آمار وزارت فواید عامه حکومت پیشین افغانستان گفته شده است که نزدیک به ۲۰۰ پل و پلیچک در امتداد شاهراه کابل-قندهار توسط طالبان با انفجارهای ماین تخریب شده است.

وزارت فواید عامه زیر کنترل طالبان در جوزای پارسال گفت که کار بازسازی شاهراه کابل-غزنی و غزنی-قندهار را که نزدیک به ۴۵۰ کیلومتر است، در مدت ۹ ماه تکمیل خواهد کرد. این وزارت تصریح کرد که کار بازسازی این شاهراه از کابل تا قندهار را با پنج شرکت داخلی به قرارداد سپرده است و در جریان ۹ ماه در هماهنگی مشترک میان این شرکت‌ها و وزارت فواید عامه، کار آن تکمیل خواهد شد. حالا که یک سال از آغاز کار بازسازی این شاهراه گذشته، شماری از راننده‌ها و مسافران مسیر کابل-غزنی در صحبت با روزنامه ۸صبح، از کندی در این روند شکایت دارند. به گفته شهروندان، طالبان تا کنون تنها مسیر ۹۰



طالبان و تروریسم؛

تاکتیک جدید داعش چیست؟

محمدعلی نظری

گروه طالبان زمانی یک گروه تروریستی شناخته می‌شد و تا هنوز هم برخی از رهبران ارشد این گروه در فهرست تحریم‌های سازمان ملل متحد قرار دارند. این گروه براساس اقتضات منافع کشورهای دخیل در قضایای افغانستان و از سوی دیگر ضعف و اهمال و حتا در مواردی همدلی برخی از مقام‌های جمهوری اسلامی افغانستان، از یک گروه تروریستی به حاکم افغانستان تبدیل شده است. وقتی برای سلطه طالبان در دوحه زمینه‌سازی می‌شد، این گروه به طرف‌های تصمیم‌گیرنده تعهد سپرد که ارتباط خود با گروه‌های تروریستی را قطع و از استفاده خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر جلوگیری می‌کند. این دو، از مهم‌ترین وعده‌های طالبان به جهان و همسایه‌های افغانستان بود. طالبان که آن زمان هم با مردم صحبت نمی‌کردند و طرف صحبت‌شان خارجی‌ها بودند، اکنون هم برای نزدیک شدن به مردم تلاش چندانی به خرج نمی‌دهند. ارتباط این گروه با مردم، ارتباط یک‌سویه امر و اطاعت است. این ارتباط هم براساس «استراتژی ترس» تا هنوز حفظ شده است. تلاش این گروه برای برقراری ارتباط با خارجی‌ها اما پیوسته جریان دارد. این تلاش‌ها از یک سو برای کسب مشروعیت و حذف نام رهبران از فهرست تعزیرات و تحریم‌هاست و از سوی دیگر به هدف جلوگیری از تغییر وضعیت است که ممکن کشورها از نیروهای مخالف این گروه حمایت کنند و به این صورت بقای طالبان به خطر بیفتد.

تلاش‌های برون‌مرزی طالبان برای شکستن انزوا و کسب مشروعیت، با موانع بسیاری مواجه است. یکی از مهم‌ترین موانع، حفظ ارتباط طالبان با گروه‌های تروریستی و پناه دادن به آن‌هاست. این امر، حتا کشورهایی را که سال‌ها برای طالبان لابی کردند، حمایت سیاسی نمودند و پول و اسلحه و کمپ‌های آموزشی در اختیار آن‌ها گذاشتند، نگران کرده است. پاکستان، ایران، روسیه و اوزبیکستان از کشورهایی‌اند که با طالبان روابط نزدیکی دارند و حتا پیش از سقوط بارها از رهبران این گروه میزبانی کردند. اکنون پاکستان از ناحیه تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی)، ایران و روسیه از ناحیه داعش و اوزبیکستان از ناحیه داعش و جنبش اسلامی اوزبیکستان احساس خطر می‌کنند و همه این گروه‌ها در زیر سلطه طالبان و برخی با حمایت این گروه در حال تقویت‌اند. حالا کمیته تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش جدید خود در مورد افغانستان زیر سلطه طالبان را نشر کرده و در آن به جنبه‌های مختلف حکومت‌داری این گروه پرداخته است. بخش بزرگی از این گزارش به فعالیت گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان اختصاص یافته است. گزارش سازمان ملل می‌گوید که طالبان با ۲۰ گروه تروریستی منطقه‌ای ارتباط خود را حفظ کرده‌اند. این گروه به رهبران القاعده، تحریک طالبان پاکستان، جنبش اسلامی اوزبیکستان، جیش اسلامی ترکستان شرقی، جماعت انصارالله تاجیکستان و برخی دیگر از گروه‌های تروریستی پناه داده و از آن‌ها حمایت می‌کند. حالا طالبان با دو نوع گروه تروریستی در افغانستان مواجه‌اند؛ گروه‌های دوست و گروه دشمن.

داعش؛ دشمن طالبان و تاکتیک‌های طالبانی

موضوع حمایت طالبان از دیگر گروه‌های تروریستی و حفظ ارتباط با آن‌ها، پیش از این هم بارها گزارش

این کشتارها از سوی رهبری طالبان برای جلوگیری از نارضایتی و شورش آن‌ها به دلیل جابه‌جایی نیروهای طالبان پاکستان در شمال صورت گرفته، اما کسی منکر حضور قدرت‌مند گروه‌های تروریستی از جمله داعش در بدخشان بوده نمی‌تواند.

داعش از میان طالبان سربازگیری می‌کند و تاکتیک‌های این گروه را به کار می‌برد. یکی از این تاکتیک‌ها، استخدام نیروهای طالبان برای راه‌اندازی حملات خودی است؛ کاری که طالبان در دو دهه گذشته در جنگ علیه دولت افغانستان انجام می‌دادند. از سوی دیگر، براساس گزارش سازمان ملل، گروه داعش اکنون ساختار سلسله‌مراتبی خود را تغییر داده و به هسته‌های شبکه‌ای اما کوچک تقسیم شده است. با این نوع ساختار تشکیلاتی، از یک طرف می‌تواند جغرافیای بیشتری را پوشش دهد و از سوی دیگر در صورت هدف قرار گرفتن یک هسته، می‌تواند از فروپاشی خود جلوگیری کند. یکی دو هسته اگر آسیب ببیند یا حتا نابود شود، در ساختار شبکه‌ای کل سیستم فرو نمی‌پاشد و گروه به بازسازی نیاز پیدا نمی‌کند. در این نوع ساختار، صلاحیت‌های تصمیم‌گیری به گروه‌های کوچک داده می‌شود و آن‌ها می‌توانند بدون از دست دادن وقت، به‌صورت سریع حملات خود را طراحی و اجرا کنند. این تاکتیک نیز قبلا توسط طالبان در جنگ علیه دولت افغانستان به کار برده شده است. گفته می‌شود که سازمان استخبارات پاکستان در آن زمان طراح این سیستم تشکیلاتی بود و مولوی عبدالکبیر، سرپرست فعلی ریاست‌الوزرای طالبان و رییس شورای پشاور این گروه، آن را اجرا کرد. این تاکتیک همان‌طوری که آن زمان توانست به تقویت طالبان منجر شود و چالشی بزرگ در برابر دولت افغانستان ایجاد کند، حالا که طالب به جای دولت و داعش به جای طالب نشسته است، می‌تواند وضعیت مشابهی را خلق کند. صمد پاینده به در مقاله‌ای به نام «نقش‌های مولوی عبدالکبیر در تیاتر سیاسی افغانستان» به نقل از تیو فرل (Theo Farrell) در مورد تغییر ساختار و تاکتیک‌های جنگی طالبان می‌گوید: «در تقویت نفوذ شورای پشاور و معرفی تاکتیک‌ها و سازمان‌دهی متمرکز اما دارای عناصر باصلاحیت، چهار عنصر دخیل بوده است. برنامه‌ریزی آی‌اس‌آی، انتقال تجارب حزب اسلامی از طریق همکاری قوماندانان آن حزب یا پیوستن آنان به طالبان و حمایت مالی خارجی که گفته می‌شود در آن زمان بیشتر از کشورهای عربی می‌آمده است.» تجاربی که از حزب اسلامی با پیوستن اعضای این حزب به طالبان به این گروه منتقل شده بود، حالا به نظر می‌رسد که با پیوستن برخی از طالبان به داعش، به این شبکه منتقل شده است.

بخشی از جنگ‌جویان طالبان به آن چه حق خود می‌دانند، نرسیده‌اند و بابت این وضعیت ناراضی‌اند. تعدادی دیگر، عادت به شورشی‌گری را کنار گذاشته نتوانسته‌اند. گفته می‌شود که این دو دسته، به جمع نیروهای داعش خراسان پیوسته‌اند. احتمال پیوستن دسته‌های دیگر طالبان به داعش نیز وجود دارد. پیوستن این دسته‌ها از طالبان به داعش، با توجه به سال‌ها تجربه‌ای که در فعالیت‌های تروریستی از جمله راه‌اندازی حملات انتحاری، ساختن شبکه‌های نفوذی در ساختار «دشمن» و اجرای طرح ساختار شبکه‌ای دارند، می‌توانند داعش را بسیار قوی‌تر بسازند. گزارش کمیته تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل هم می‌گوید که در سال ۲۰۲۲ داعش با استفاده از همین روش نفوذی، حملاتی را به هدف ترور سراج‌الدین حقانی و ملا یعقوب مجاهد، وزیران داخله و دفاع طالبان، راه‌اندازی کرد. گزارش می‌گوید که این گروه توانست به خانه‌های هر دو هدف وارد شود، اما نتوانست آن‌ها را بکشد و عملیاتش شکست خورد. رسیدن به خانه‌های سراج‌الدین حقانی و ملا یعقوب، به‌ساده‌گی میسر نیست. این کار با استفاده از تاکتیک طالبان انجام شده است. طالبان با این تاکتیک طی دو دهه گذشته توانستند بسیاری از سران دولت جمهوری افغانستان را هدف قرار دهند که حمله بر برهان‌الدین ربانی و اسدالله خالد می‌تواند نمونه‌هایی از آن باشد. برخی دیگر از تاکتیک‌های طالبان که اکنون از سوی داعش استفاده می‌شود، تامین منابع مالی از طریق تولید و قاچاق مواد مخدر، وضع مالیات بر مواد مخدر، استخراج و فروش مواد معدنی، باج‌گیری از بازرگانان و اختطاف به هدف باج‌گیری است. بنابراین، وقتی داعش می‌تواند به خانه‌های وزیران داخله و دفاع طالبان برسد، خطرش برای این گروه خیلی جدی‌تر از دو سال پیش شده است، همان‌طور که خطر این گروه علیه مردم افغانستان نیز بزرگ‌تر شده است. با توجه به این که براساس گزارش سازمان ملل داعش بین چهار تا شش

هزار جنگ‌جو در افغانستان دارد، احتمالا وضعیت امنیتی در آینده نزدیک وخیم‌تر می‌شود.

دوستان طالبان

جز داعش، بقیه گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان را دوستان طالبان تشکیل می‌دهند. این دوستان در دو دهه گذشته بازوبه‌بازوی طالبان علیه دولت افغانستان جنگیدند و مسلمان تلفات جانی دادند. اکنون آن‌ها در زیر سلطه طالبان پناه گرفته‌اند و از خاک افغانستان خلاف تعهدی که طالبان داده‌اند، کشورهای همسایه را تهدید می‌کنند. گزارش سازمان ملل می‌گوید که رهبران شبکه القاعده در افغانستان حضور دارند. براساس این گزارش «دو هزار تن از اعضای خانواده شبکه القاعده، در افغانستان حضور دارند. این گروه در بادغیس، هلمند، ننگرهار، نورستان و زابل، پایگاه‌های آموزشی دارد.» گزارش از حضور جنگ‌جویان خارجی عرب در کنر و نورستان - جایی که یک اردوگاه این شبکه است - نیز سخن می‌گوید و می‌افزاید که شماری از این افراد با اسناد هویتی افغانستان در شهرها، نقش مشورتی را با طالبان ایفا می‌کنند. این گزارش همچنان می‌گوید که القاعده در افغانستان خود را بازسازی می‌کند و در نوامبر ۲۰۲۲ سیف‌الدل، رهبر این گروه، از ایران به افغانستان سفر کرده است. بازسازی القاعده در افغانستان، خطرات جدی‌ای خلق می‌کند. این گروه اهداف جهانی دارد و حملاتش دامن کشورهای نزدیک و دور را خواهد گرفت. از آن‌جایی که طالبان یک بار رژیم خود را قربانی حمایت از القاعده و رهبرش کردند، اکنون هم روابط دوجانبه بسیار نزدیکی دارند و براساس گزارش شورای امنیت سازمان ملل برخی از آن‌ها سند هویتی افغانستان به دست آورده و به طالبان مشورت می‌دهند. هرچند گفته می‌شود که طالبان بسته‌های دالر از امریکا دریافت می‌کنند، اما دشمن امریکا (القاعده) را پناه داده‌اند و در بازسازی آن سهم می‌گیرند.

گروه دوست دیگر، تحریک طالبان پاکستان است. این گروه نسخه پاکستانی طالبان افغانستان است و دولت پاکستان را غیراسلامی می‌داند و علیه آن می‌جنگد. طالبان افغانستان که به دست پرورده‌گان پاکستان مشهورند و سال‌ها در آن کشور پناه‌گاه داشتند و حمایت می‌شدند، اکنون دشمن آن کشور را در آغوش گرفته‌اند. باری حتا ادعا شد که طالبان افغانستان برای حمایت از تی‌تی‌پی به پاکستان نیروی جنگی فرستاده‌اند. گزارش سازمان ملل می‌گوید که این گروه نیز در افغانستان چهار تا شش هزار نیروی جنگی دارد.

یکی دیگر از گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان، جنبش اسلامی اوزبیکستان (آی‌ایم‌یو) است. پیش از آن که در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ دولت به کام طالبان سقوط کند، در محافل سیاسی گفته می‌شد که اوزبیکستان زمینه ملاقات برخی از مقام‌های دولت افغانستان با رهبران طالبان را در تاشکند فراهم کرده است. آن ملاقات‌ها غیررسمی و پنهان انجام می‌شد و ربطی به گفت‌وگوهای دولت با طالبان نداشت، بلکه برخی از مقام‌های دولت که از بقای جمهوری ناامید شده بودند، می‌خواستند برای فرادای سقوط برنامه بریزند و وارد دادوگرفت با این گروه شوند. پس از سقوط هم‌یکی از کشورهایی که روابط بسیار نزدیکی با طالبان دارد، اوزبیکستان است. این حمایت‌های تاشکند از طالبان اما سبب نشده که این گروه دشمن اوزبیکستان را در آغوش نگیرد و حمایت نکند. با توجه به آن که جنبش اسلامی اوزبیکستان پیش از سقوط جمهوری به طالبان کمک کرده، اکنون در زیر سایه این گروه در خاک افغانستان پناه‌گاه امن یافته است. سایر گروه‌ها هم در افغانستان فعال‌اند که براساس گزارش سازمان ملل تعداد همه آن‌ها به ۲۰ می‌رسد. این گروه‌ها نیز در جنگ طالبان علیه دولت، از طالبان حمایت می‌کردند و حالا هزاران جنگ‌جو در افغانستان از جمله در شمال و شمال‌شرق دارند. باری پیش از سقوط، گفته می‌شد طالبان برخی مناطق که در کنترل می‌گیرند، کسانی را با خود دارند که نه پشتو می‌فهمند، نه فارسی و نه اوزبیک. گفته می‌شد که آن‌ها با خانواده‌های خود در نقاط مختلف افغانستان جابه‌جا می‌شوند.

دوستان طالبان که اکثرا کشورهای دیگر را هدف قرار می‌دهند، به افغانستان نیز آسیب می‌زنند. تجمع این‌همه تروریست مسلح در خاک افغانستان، یک خطر فوری است. داعش هم به‌عنوان دشمن طالب و مردم افغانستان، تهدید جدی‌تر و فوری‌تر است. کمترین آسیب حضور این نیروها، فرار سرمایه و به تبع آن گسترش بیشتر فقر در کشور است، اگر پیش از آن تنگ‌های این گروه‌ها جان مردم را نگیرد.

روایت دانشجویان دختر از روزهای خانه نشینی



صبح
روایت امروز آینه امروز نوید فردا

بهنیا

از این که جو خوفناک حاکمیت طالبان بالای او و دیگر دختران تاثیر گذشته و آنان به خانه نشینی عادت کنند، از این سیاه چال نجات یابند. فاطمه، دانشجوی دیگری است که پس از حاکمیت طالبان و بسته شدن درب دانشگاه از سوی این گروه، به دلیل وضعیت بد اقتصادی رو به کارهای شاقه آورده است. او دانشجوی دانشگاه کابل بود و در رشته فارمسی درس می خواند. برای ختم تحصیل او دو سمیستر بیش باقی نمانده بود که ناگهان در آخرین ماه های سفر تحصیلی اش از پشت درب دانشگاه رانده شد. او نیز از طلوع تا غروب آفتاب، به جای نشستن در صنف دانشگاه برای درس خواندن، سرش را بالای نخ بافنده گی، مهره دوزی و گاهی قالی بافی می یابد.

کمتر روزی است که فاطمه از این مصروفیت جدیدش خلاصی می یابد و گاهی سری به کتاب های درسی اش می زند. با هر بار رجوع کردن به سمت درس، جو خفه کننده ای فضای دلگیر اتاقش که از سوی طالبان برایش تدارک دیده شده است، او را از درس خواندن و رویا پردازی باز می دارد و فضای ناامیدی را در وجودش شعله ور می کند.

فاطمه می گوید: «بعضی روزها انگیزه ادامه درس برایم دست می دهد و به سمت کتاب هایم می روم، اما بسیاری روزها آن قدر از فضای حاکم ناامید می شوم که می خواهم هیچ کاری انجام ندهم.» پدر فاطمه پس از حاکم شدن طالبان بیکار شده است. پیش از حاکمیت این گروه، کار پدر او رونق خوبی داشت و نمی گذاشت که دخترانش به جز درس، به فکر تامین مخارج خانواده باشند. اما اکنون او روزها به دنبال کار از خانه بیرون می شود و شب ها بدون هیچ دست مزدی بر می گردد. به همین دلیل خواهر بزرگ فاطمه در جستجوی کار، شب از روز نمی شناسد تا این که کاری می یابد. حالا یگانه نان آور خانواده فاطمه، خواهر بزرگ اوست که او نیز معاش خوبی در بدل کارش به دست نمی آورد. به همین دلیل فاطمه نیز این روزها مجبور به انجام کاری شده است که آن را دوست ندارد، تا به خاطر تامین مصارف خانواده اش دست خواهرش را بگیرد. او می گوید: «معلوم است که مجبور به این کار شده ام. کسی که درس بخواند و کار بهتری مطابق به رشته اش پیدا کند، هیچ گاهی سراغ بافنده گی و دوخت نمی رود، مگر این که به خاطر سرگرمی این کار را انجام دهد.»

مقدار پولی که فاطمه از این کار به دست می آورد، در مقابل زحمتی که برای انجام آن متقبل می شود، بسیار ناچیز است. او در آخر هر هفته ۱۰۰ افغانی از دوخت مهره بالای هر سه متر تکه مخمل به دست می آورد؛ پولی که حتی مصرف خریدت موبایل او را نیز تامین نمی تواند. فاطمه برای رهایی از فکری که او را درگیر رویاهای از دست رفته اش می کند، مجبور است این کار را با هر قیمتی انجام دهد، تا روزهای سخت او با مصروف شدن، زودتر پایان یابد. او آرزو داشت که روزی از دانشگاه فارغ تحصیل شود و مطابق رشته اش کار یابد و از آن طریق یاور پدرش باشد، اما روزگار یاری اش نکرده و آرزوهایش رویا باقی ماند. این روزها را در سوگ سفر ناتمام تحصیلی اش شام می کند. فاطمه منتظر روزنه ای است که برای بازگشایی دانشگاه از در خانه اش بتابد. او گاهی با خود چنین می گوید: «کاش طالبان چند ماهی دیرتر می آمدند و یا هم دیرتر فرمان بسته شدن دانشگاه را صادر می کردند تا حداقل ما فارغ تحصیل می شدیم.»

با وضعیت رقت بار پیش آمده، هنوز هم امید در وجود فاطمه زنده است. او می خواهد محکم در این راه بایستد و در این ایستاده گی از دادن هیچ هزینه ای ایایی ندارد. او در انتظار روزی است تا درب دانشگاه به روی او و همه دختران افغان باز شود و بار دیگر آنان به دنبال رویاهای شان جاده های رسیدن به آن را پر سه بزنند، اما نگرانی فاطمه نیز از روزی است که این محدودیت ها سال ها به درازا بکشد و دختران برای مدت طولانی خانه نشین شوند و دنبال کردن رویاهای شان را فراموش کنند.

فوزیه تغییر کرده است. شهر تغییر کرده، آدم ها تغییر کرده، ترس و وحشت همه جا را فرا گرفته، انگیزه برای ادامه زنده گی وجود نداشت، دیگر از دانش آموزان چادر سفید و کالاسیاه خبری نیست و رد پای دانشجویان دختر در شهر دیده نمی شود. همه کس برای زنده ماندن در فکر هم طراز شدن با طالبان هستند و هیچ کس برای دوباره رفتن فوزیه به دانشگاه و ادامه درس او به جز از عده ای دادخواهی نمی کند.



فوزیه با طلوع و غروب آفتاب هر روز، خودش را در کنج اتاق در میان تارها و تکه های بافنده گی می یابد و با ناامیلت های وضعیت اقتصادی روزگارشان چانه می زند. دیگر نه از درس خبری است و نه از دنبال کردن رویاهایی که او در سر می پروراند. می گوید: «از درس خواندن کاملاً ناامید شده ام و هیچ سری به کتاب هایم نمی زنم؛ حتی فراموش کرده ام که رمز کامپیوترم چه بود.»

فوزیه در حالی که در عالم آرزوهای به باد رفته اش غرق است، به پرنده ای می ماند که بال برای پرواز دارد، اما حق پرواز از او گرفته شده است. او در کنج اتاق خود روزهای از دست رفته تحصیلش را به تماشا نشسته است. با این هم، گاه نگاهی به آن سوی این تاریکی ها می اندازد و توازن زنده گی اش را در رکاب برابری با گروهی که نفس کشیدن را برای او حرام کرده، در ذهنش ته وبالا می کند. او می گوید: «از روزی می ترسم که از این قفس آزاد شوم، ولی به این زندان خو گرفته باشم و مبادا خودم حق پرواز را از خود گرفته باشم. نکند برای همیشه فراموش کنم که من روزی بال برای پرواز داشتم و طالبان به هدف شوم شان برسند.» او آرزو دارد پیش



درس می خواند. همه دغدغه اش در زنده گی، ساختن شرکتی بود که در آن قرار بود خودش کارفرما، پروگرامر و یا هم دیزاینر خوبی باشد و تعداد زیادی از کارمندان را استخدام کند. اما با حاکم شدن طالبان، زنده گی اش به سمتی دیگر رو کرده است. او اکنون در گوشه ای از شهر کابل همانند بسیاری از دختران دیگر از سوی حاکمان دیارش محکوم به حبس خانه گی شده است. این روزها نگران است که چگونه با نخها بالای تکه ها، بیشتر دستش را پیچ و تاب دهد تا دستگیر روزهای سخت پدر برای تامین مخارج خانواده باشد.

دست دوزی پیش از این برای فوزیه سرگرمی ای بیش نبود و گاه آن را در اوقات بیکاری به دست می گرفت و با تارهای آن روزهای باقی مانده تحصیلش را می شمرد؛ اما اکنون این کار تنها گزینه برای تامین مخارج این روزهایش و خلاصی از افسرده گی شده است. او می گوید: «زمانی که دانشگاه می رفتم، با شور و شوق دست دوزی هم می کردم. به این کار علاقه داشتم. پیش از ظهر دانشگاه می رفتم و بعد از ظهر حتما سری به دوخت می زدم و با ختم هر یخن یا چادر، پول آن را برای خود بوت و لباس نوی که دوست داشتم، برای رفتن به دانشگاه می خریدم؛ چون آن زمان کارم از جبر نبود. اما حالا مجبور به ادامه این کار شده ام.»

روزی که طالبان سایه سهمناکشان را بر زنده گی فوزیه افکندند، او در دانشگاه در صنف درسی با هم صنفی هایش درس می خواند و هنوز هم معادله های رسیدن به رویاهایش را ترسیم می کرد. خبر رسیدن طالبان فضای دانشگاه و شهر را پر کرده بود. با آن هم او باور نمی کرد که طالبان به همین ساده گی وارد شهر شده و زنده گی او و همه دختران را دگرگون کنند، تا این که واژه گان نامفهوم و ترس برانگیز را از زبان استادانش می شنود. او می گوید: «در صنف بودیم و قرار بود مضمون پروگرامینگ را بخوانیم، اما خبر رخصت شدن همه دانشگاه به گوش می رسید و استادان نیز برای ما خبر رسیدن طالبان را دادند و گفتند که تا معلوم شدن وضعیت رخصت هستیم. اصلاً باورم نمی شد و فکر می کردم در عالم خواب این رخدادها را می بینم.»

اما این خواب نه، بلکه حقیقتی بود که پس از آن روز او را در تنگنای روزگار قرار داد. فوزیه دیگر نتوانست همانند گذشته یک روز خوش تحصیلی را تجربه کند. با این که درب دانشگاه ها پس از مدتی به روی دختران باز شد، اما محدودیت ها و سخت گیری های پیهم وضع شده از سوی طالبان او را به این نتیجه رساند که دیگر قرار نیست فوزیه به روزهای خوش پایان تحصیلی و رسیدن به آرمان هایش فکر کند؛ چون بار دیگر این گروه درب دانشگاه ها را به روی دختران محکم تر از قبل بست. پس از آن روز، همه چیز از پشت پنجره اتاق

فوزیه می گوید: «از روزی می ترسم که از این قفس آزاد شوم، ولی به این زندان خو گرفته باشم و مبادا خودم حق پرواز را از خود گرفته باشم. نکند برای همیشه فراموش کنم که من روزی بال برای پرواز داشتم و طالبان به هدف شوم شان برسند.»

او آرزو دارد پیش از این که جو خوفناک حاکمیت طالبان بالای او و دیگر دختران تاثیر گذشته و آنان به خانه نشینی عادت کنند، از این سیاه چال نجات یابند.

تکه ای با شاخ و برگ یاسمین و گل های ارغوان تزیین شده است. رنگ زیبایی دارد و عابران که لباس سنتی دوست دارند را در خود غرق می کند. اما در آن سوی این نخ های رنگرنگ و گل های زیبا، رویاهای دختری به باد فنا رفته است. از پشت همین تارها بود که فوزیه در جستجوی رویاهایش قدم برداشت و سه سال زنده گی اش را برای رسیدن به آن مایه گذاشت؛ سال هایی با چالش های فراوان و پرمشقت برای روزها خوش آیند. در آن مدت او دنیای کاری و آینده خودش را کشف می کرد؛ دنیایی که پنهان و معنای آن تا به انتها برایش قابل درک است؛ اما در راه رسیدن به آن، گروهی رد پای او را می یابد و نمی گذارد تا پا فراتر از این بردارد. فوزیه را به اتهام دنیای زنانه گی حبس می کنند و از تحصیل باز می دارند. او برای تسکین روح خسته اش، آرزوهای بریادرفته و همچنان تامین مخارج خانواده، رویاهایش را با تارهای رنگی روی تکه نخ می کند و با رد کردن از سوزن آن را یکی پس از دیگری دار می زند.



دختری با آرزوهای بلند در حومه شهر کابل با اهداف، رویاها و خواسته هایش زنده گی نسبتاً خوبی داشت. دانشجوی سال سوم دانشگاه پلی تکنیک کابل بود و در رشته کامپیوتر ساینس

امارات عرب و امارت طالبان

شجاع الدین امینی

امارات متحده عرب از جمله سه کشوری بود که سلطه اول طالبان بر افغانستان را به رسمیت شناخته بود. پس از سقوط طالبان و ایجاد نظم سیاسی جدید در افغانستان، رابطه امارات با طالبان تیره بود. در سال ۲۰۱۷ سفیر امارات در کابل با پنج دیپلمات دیگر در نتیجه حمله انتحاری‌ای کشته شدند که البته طالبان مسوولیت آن را برعهده نگرفتند. مقام‌های امارات در سال ۲۰۱۹ در نشستی که با مایک پمپيو، وزیر خارجه امریکا داشتند، گفته می‌شود ایده ترور مقام‌های رده‌اول طالبان را مطرح کرده بودند. در سال ۲۰۱۸ سومین دور گفت‌وگوهای صلح میان امریکا و طالبان که نماینده‌گان پاکستان و عربستان نیز حضور داشتند، در ابوظبی، پایتخت امارات، برگزار شد. همچنان امارات به محمدشرف غنی، رییس جمهور پیشین، پس از فرار از افغانستان پناهنده‌گی داده است.

پس از آن که طالبان به قدرت برگشته‌اند، امارات چون گذشته این گروه را به رسمیت نشناخته، ولی متوقف هم نشده و به خم‌خم رفتن خود ادامه داده است. مدیریت میدان‌های هوایی را که قرار بود ترکیه و قطر به دست گیرند، امارات در جوزای سال ۱۴۰۱ به دست گرفته است. همچنان برای کمک به زلزله‌زده‌گان در ولایت‌های پکتیکا و خوست وارد میدان شد. هیاتی از علمای دینی در حوت همان سال از ابوظبی به کابل آمد و با مقام‌های طالبان دیدار کرد. مهم‌تر از همه ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، در عقرب سال گذشته به امارات سفر کرد و با استقبال مقام‌های این کشور مواجه شد. این سفر در رسانه‌ها خبرساز شد و بگویم‌گوهای زیادی به راه انداخت و عامل آن، دیدار با تام وست، نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان و هم‌زمان شدن با سفر حامد کرزی، رییس جمهور پیشین، به آن کشور بود. ملا برادر، معاون اقتصادی نخست‌وزیر طالبان، نیز در ثور همان سال به امارات سفر داشت که چندان در رسانه‌ها پراهمیت جلوه نکرد. تازه‌ترین گامی که در حوت سال گذشته از سوی امارات برداشته و خبرساز شد، این بود که کنسول‌گری افغانستان در شهر دبی را به نماینده طالبان تحویل داده است. سفارت امارات در کابل بازگشایی شده و آمدررفت میان مقام‌های دو طرف به‌گونه عادی ادامه دارد.

با توجه به نکات فوق، پرسشی که به نظر مهم جلوه می‌کند، این است که امارات متحده عربی با پیمودن

مسیر تعامل با طالبان چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

۱- امارات می‌خواهد قطر را دور بزند

امارات و قطر باهم رقابت تنگتنگی دارند. امارات در سال ۲۰۱۷ در اعمال تحریم علیه قطر و محاصره اقتصادی این کشور نقش داشت. ابوظبی در گذشته خواهان آن بود تا میزبان گفت‌وگوهای صلح افغانستان باشد، ولی قطر فرصت را ربود. پس از آن که موضوع مدیریت میدان‌های هوایی افغانستان داغ شد، امارات وارد میدان شد و از ترکیه و قطر پیش‌گام گردید. قطر و ترکیه قبیان امارات هستند. سبقت گرفتن امارات در زمینه فوق، شکست برای ترکیه و قطر بود. این امر عمق رقابت میان قطر و امارات را نشان می‌دهد. امارات به دنبال اعمال نفوذ بر چهره‌های جوان طالبان یا آن‌چه به تعبیر برخی عمل‌گرا خوانده می‌شوند، است. این کشور می‌خواهد بلوک جدیدی از مقام‌های طالبان را علیه بلوک طالبان وفادار به قطر شکل دهد. چیزی که اشتباهی امارات را تیزتر کرده، ضعف حضور بلوک طالبان وفادار به قطر در قدرت است. تام‌الاختیار بودن ملا هبت‌الله و انحصار قدرت در دست او و حواریونش سبب شده است که تیم پیشین مذاکره‌کننده طالبان که دوحه بر آن‌ها نفوذ دارد، نقش چندانی در تصمیم‌گیری‌ها نداشته باشد. امارات این وضعیت را به سود خود می‌داند و در تلاش استفاده بهینه از فرصت است.

ضربه کاری دیگری که امارات به قطر وارد کرد، ترتیب پیش‌نویس قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. شورای امنیت به تاریخ ۵ ثور سال جاری قطع‌نامه‌ای صادر کرد مبنی بر محکومیت اعمال محدودیت علیه زنان از سوی طالبان که پیش‌نویس آن از سوی امارات و جاپان ترتیب شده بود. قبل از آن که نشست دوحه به رهبری سرمنشی سازمان ملل متحد برگزار گردد، قطع‌نامه از سوی شورای امنیت صادر شد که به باور بسیاری موثریت آن نشست را در معرض پرسش قرار داد؛ چون قرار بود در آن نشست روی چگونه‌گی شناسایی طالبان بحث صورت گیرد، ولی صدور قطع‌نامه بر اجندای آن سایه افکند.

۲- طالبان به رابطه با امارات اهمیت می‌دهند

طالبان به داشتن رابطه گرم با امارات از چند جهت



اهمیت می‌دهند: ۱- امارات در گذشته از حامیان سرسخت این گروه بود و حتا تا شناسایی آن پیش رفت؛ ۲- طالبان و امارات هر دو به سنی‌گرایی اهمیت می‌دهند؛ ۳- امارات به دموکراسی و گردش قدرت از مجرای انتخابات چندان روی خوش نشان نمی‌دهد و طالبان که دشمن دموکراسی‌اند، این امر برای‌شان جذابیت دارد؛ ۴- موقعیت نفتی امارات در حوزه خلیج و حضور تاجران افغان در آن‌جا؛ ۵- اتحاد محکم میان امارات و امریکا عواملی است که طالبان را به برقراری رابطه با این کشور ترغیب می‌کند. برای نمونه، تام وست هر باری که سفرهای منطقه‌ای خود را آغاز می‌کند، بیشترین و مهم‌ترین دیدارها را با مقام‌های اماراتی انجام می‌دهد.

طالبان به‌نحوی می‌کوشند میان امارات و قطر موازنه را حفظ کنند. برای نمونه، به رغم سال‌ها حمایت و میزبانی قطر یک‌شبه مدیریت میدان‌های هوایی را به امارات سپردند. همچنان وزیر دفاع طالبان پس از سفر به قطر، به امارات سفر کرد تا به زعم خود نشان دهد آن‌گونه که تصور می‌شود، وابسته به قطر نیستند. این بیانگر آن است که طالبان نمی‌خواهند همه تخم‌ها را در سبد قطر بگذارند. مقام‌های قطری به رغم حمایت و میزبانی از طالبان بارها اظهار کرده‌اند که رفتار طالبان به‌ویژه در زمینه حقوق زنان ناامیدکننده است، ولی مقام‌های ابوظبی از موضع‌گیری با این صراحت پرهیز کرده‌اند که این برای طالبانی که حق زن را نقض می‌کنند، حایز اهمیت است.

۳- عربستان به امارات احواله مسوولیت کرده است

امارات با عربستان رابطه عمیقاً دوستانه دارد. این دو کشور در بزنگاه‌های مهم تاریخی یار و یاور بوده‌اند. برای نمونه، سلطه اول طالبان بر افغانستان را هر دو به رسمیت شناختند، قطر را هر دو در سال ۲۰۱۷ تحریم

کردند و از ۲۰۱۵ بدین سو هر دو در جنگ یمن علیه حوثی‌ها اشتراک دارند. برای کشورهای عرب خلیج مہار ایران همیشه در اولویت بوده است. درست است که عربستان به‌تازگی دارد از نو وارد رابطه دیپلماتیک با ایران می‌شود، ولی این لزوماً به این مفهوم نیست که مشکلات میان طرفین به‌گونه ریشه‌ای حل شده باشد و عربستان دیگر هرگز خطر ایران را جدی نگیرد و برای مہار آن تقلا نوزد. به نظر می‌رسد برای آن‌که بر سر تامین رابطه با طالبان میان عربستان و ایران اصطکاک ایجاد نشود و تلاش‌های چین به ناکامی نینجامد، ماموریت مہار ایران و همچنان قطر از سوی عربستان به امارات واگذار شده باشد. اگر این احتمال درست باشد، ضرورت گرمی رابطه میان امارات و طالبان در این روزها بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود؛ چون رابطه میان طالبان و ایران چون گذشته گرم نیست و اندکی کج‌دار به نظر می‌رسد. طالبان به هر پیمانہ که از ایران دوری گزینند، به همان پیمانہ با کشورهای عرب خلیج وابسته خواهند شد.

۴- امارات ابزار فشار در اختیار دارد

پناهنده بودن محمدشرف غنی، رییس جمهور پیشین، در امارات، می‌تواند ابزار فشار در دست این کشور علیه طالبان باشد. جالب این‌جاست که حضور اشرف غنی در ابوظبی به جای آن‌که رابطه میان طرفین را تیره سازد، گرم‌تر ساخته است. معمول این است گروه جدیدی که در یک کشور قدرت را به دست می‌گیرد، اگر گروه رقیب پس از شکست به کشوری دیگر متواری می‌شود و آن کشور به آن گروه پناه می‌دهد، رابطه میان طرفین تیره می‌شود، اما طالبان و امارات از این لحاظ مستثنا مانده‌اند. برای نمونه، پس از آن‌که رضاشاه، ایران را ترک کرد، انور سادات، رییس جمهور مصر، به او پناه داد. جمهوری اسلامی ایران در واکنش به آن رابطه دیپلماتیک خود با مصر را قطع کرد که تا این‌دم به مسیر عادی برنگشته است. آقای غنی سال‌ها علیه طالبان جنگیده بود و به تحویل‌دهی دولت به طالبان رضایت نمی‌داد، ولی پناه دادن امارات به او، واکنش طالبان را در پی نداشت. البته مقام‌های ابوظبی اعلام داشتند که آقای غنی را از فعالیت سیاسی منع کرده‌اند، ولی اگر به او اجازه فعالیت سیاسی داده شود، می‌تواند تبدیل به ابزار فشار علیه طالبان شود؛ چون او، هنوز خود را رییس جمهور می‌خواند و قدرت را رسماً به هیچ گروهی تحویل نداده است و طالبان را غاصب قدرت می‌داند. شاید یکی از خواست‌های طالبان از ابوظبی این باشد که آقای غنی را خاموش نگه دارند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت به رفتن به افغانستان وادارش کنند.

شکننده‌گه‌سیاسه‌درغیاب‌احزاب‌مقتدردرافغانستان

نشده‌اند.

بعد از گشایش نسبی شرایط سیاسی و تمکین دولت به آزادی فعالیت‌های سیاسی در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی، گروه‌ها و احزاب سیاسی علنی و مخفی دست به سازمان‌دهی فعالیت‌های سیاسی‌شان زدند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان در این دوره تشکیل شد. این حزب اما از همان آغاز گرفتار آفت جناح‌گرایی شده و به خلق و پرچم تجزیه گردید و قبل از آن که به پخته‌گی برسد، سیر افول و اضمحلال را پیمود. حزب دموکراتیک خلق به دلیل نداشتن پایگاه عمیق مردمی و نیز به علت سنتی بودن جامعه نتوانست به درون توده‌ها نفوذ کند که در نهایت موفق نشد به‌گونه موثر و عمیق روی جامعه افغانی اثر بگذارد.

در دوران جهاد و جنگ‌های داخلی، احزاب اسلام‌گرا و جهادی بیشتر شباهت به اجتماع ایل، قبیله و تبار داشته و از انتظام و سازمان‌یافته‌گی برخوردار نبودند. بیشتر این احزاب بعد از مرگ رهبران خود دچار چنددسته‌گی و سقوط شدند مانند جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی.

یکی دیگر از جنبه‌های توانایی حزب پیچیده‌گی و عمق سازمانی آن در پیوند با سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی همچون انجمن‌های کارگری و اتحادیه‌های دهقانی است تا حمایت و توجه توده‌های مختلف را به‌خود معطوف کند.

احزاب افغانی فاقد یک چنین قابلیت‌ی بوده‌اند.

از جنبه‌های دیگر توانایی احزاب سیاسی این است که اعضا و فعالان آن به میزان زیادی به حزب، منافع حزبی و آرمان‌های حزبی وفادار هستند. در افغانستان اعضای حزب پیش از این که به منافع حزبی بیندیشند به منافع شخصی، خانواده‌گی و قومی خود فکر می‌کنند و هیچ وفاداری‌ای به حزب و آرمان‌های آن ندارند.

در بیست سال گذشته به‌رغم شرایط مناسب جهت



سامان‌دهی سیاسی این کشورها نقش دارند. در ترکیه کمال آتاترک با تاسیس حزب جمهوری خواه خلق توانست در قسمت پیشبرد اهداف اصلاحی خود نسبتاً موفق عمل کند. این در حالی است که در افغانستان امان‌الله خان در اثر نبود یک حزب سیاسی نتوانست به‌گونه موثر به اهداف خود دست یابد.

احزاب از طریق رسوخ و نفوذ روی توده‌های مختلف کارگر و دهقان و سایر لایه‌ها و اقشار جامعه می‌توانند به اهداف خود برسند.

ساموئیل هانتینگتون یکی از نظریه‌پردازان مهم حوزه سیاست یکی از عوامل سد راه رشد و توسعه احزاب در جامعه را محافظه‌کاری دانسته است. در یک جامعه سنتی و محافظه‌کار، نخبه‌گان سیاسی و سکان‌داران قدرت، حزب را بدعت و خطر جدی در برابر قدرت و موجودیت خود می‌دانند و از رشد و توسعه آن تا حد توان جلوگیری به عمل می‌آورند.

افغانستان از جمله کشورهای سنتی جهان است که در آن تا کنون مجال و میدانی برای رشد و بالنده‌گی احزاب فراهم نشده است. گروه‌های سیاسی که گاه و بی‌گاه شکل یافته و اعلام حضور کرده‌اند، بیشتر غیرسازمان‌یافته بوده و از حمایت توده‌ها و اقشار مختلف جامعه برخوردار

زین‌الله سروری

شکننده‌گی در عرصه سیاست و دولت زمانی پدیدار می‌شود که نهادهای رسمی دولت جایگاه، منزلت و مفید بودن خود را به‌عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند که در نتیجه آن، مردم حکومت و نهادهای سیاسی را برای جامعه مفید و مناسب ندانسته، به آن وفادار نمانده و از آن در برابر رقبا حمایت نمی‌کنند.

از گذشته‌های دور به این‌سو احزاب سیاسی یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در استواری و پایداری سیاسی در جهان شناخته می‌شوند. در جوامع سنتی مجال و فرصت ظهور و تاثیرگذاری برای احزاب سیاسی فراهم نیست. در جوامع دستخوش نوسازی، احزاب سیاسی از استقبال کمتری برخوردار هستند.

بالنده‌گی، تکامل و نهادینه شدن احزاب سیاسی در یک جامعه متضمن پایداری سیاسی است؛ چرا که احزاب با شیوه‌های ساختارمند، مشارکت سیاسی را از راه‌های مشروع ترغیب و تعقیب کرده و در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه حامیان خود را داشته و اقشار مختلف را به طرور روشمند وارد کارزار سیاسی می‌کنند.

یکی از دلایل موفقیت نظام‌های سیاسی در کشورهایی چون بریتانیا و ایالات متحده امریکا موجودیت احزاب سیاسی مقتدر و نقش‌آفرینی آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است. احزاب سیاسی مقتدر باعث جلوگیری از انحراف سیاسی، بحث و گفتمان جهت آوردن اصلاحات ضروری و ترویج راه‌های دموکراتیک دستیابی به قدرت می‌شوند. یکی از عوامل و فکتورهای مهم تداوم سامان سیاسی در کشورهایی چون ترکیه و هند نیز موجودیت احزاب سیاسی مقتدر است. در ترکیه حزب عدالت و توسعه و در هند حزب کنگره ملی در توسعه‌یافته‌گی و

تشکیل احزاب سیاسی، هیچ حزب مقتدر و ملی که در سطوح بزرگ تاثیرگذار باشد، شکل نگرفت که آگاهان سیاسی دلایل آن را سنتی بودن جامعه، محافظه‌کاری و وفاداری بیش از حد به قبیله و تبار می‌دانند.

با روی کار آمدن دوباره گروه طالبان در غیاب و نبود احزاب سیاسی، به نظر می‌رسد که شکننده‌گی سیاسی با گذشت هر روز بیشتر و عمیق‌تر می‌شود. گروه طالبان را هرچند یک حزب سیاسی گفته نمی‌توانیم، اما می‌توان آن را یک گروه بنیادگرای نظامی - سیاسی دانست که بیشتر اعضای این گروه قبل از این که به آرمان‌ها و ایدئولوژی این گروه وفادار باشند به جناح‌ها و تقسیم‌بندی‌های داخلی این گروه، قوماندانان‌شان، قبیله و قریه خود وفادارترند. این پارادوکس و چندگانه‌گی در آینده نه‌چندان دور باعث بیشترشدن شکننده‌گی سیاسی، ضعف ساختاری و در نهایت فروپاشی این گروه خواهد شد.

استواری سیاسی یک نظام به توانایی و حضور پرنرنگ احزاب در صحنه سیاسی بسته‌گی دارد. یک حزب به نوبه خود، در صورتی تواناست که از پشتیبانی نهادمند توده‌ها برخوردار باشد. کشورهایی که به استواری سیاسی دست یافته‌اند، حتماً در آن احزاب مقتدر حضور و فعالیت دارند، مانند احزاب دموکرات و جمهوری خواه در ایالات متحده امریکا و احزاب محافظه‌کار و کارگر در بریتانیا.

افغانستان در غیاب احزاب مقتدر سیاسی طی چندین دهه گرفتار التهاب سیاسی شده و در نتیجه، به توسعه سیاسی دست نیافته است. سنتی و محافظه‌کار بودن جامعه، وفاداری‌های قومی و قبیله‌ای، عدم توسعه سیاسی، فقر اندیشه و عدم نبوغ و بصیرت سیاسی باعث شده تا افغانستان نتواند ایستن تشکیل یک حزب مقتدر سیاسی شود که نتیجه آن شکننده‌گی و بحران سیاسی بوده که منجر به فروپاشی پی‌در پی نظام‌ها در این کشور شده است.

ارتش پاکستان و عمران خان



حزب تحریک انصاف
برخلاف دو حزب
مهم دیگر، مسلم لیگ
شاخه نواز و حزب
مردم پاکستان، یک
حزب موروثی نیست.
حزب خان محکوم به
فروریختن مانند خانه
کاغذی است. زمانی
که او در قدرت بود،
نمی توانست حزب خود
را به چیزی تبدیل کند
که بدون او دست نخورده
باقی بماند.

نویسنده: محمد باسط
مترجم: علی سجاد مولایی
منبع: دیپلمات

او را در رهبری حزب تحریک انصاف ببینند. کاریزمای شخصیتی او بر تمام واقعیت‌های تلخ غلبه کرده است، که راس آن این است که خود او توسط ارتش با استفاده از تمام ترندهای کثیف آن نهاد به قدرت رسیده است.

در پاکستان، هر یک از احزاب جریان اصلی در یک مقطع زمانی توسط ارتش حمایت شده‌اند. گاهی اوقات، آن‌ها به سمت تسهیل‌کننده‌گان خود باز می‌گردند. اعضای دولت ائتلافی کنونی خان را به خاطر این که دست‌نشانده ارتش است، در زمانی که در اپوزیسیون بودند سرکوب می‌کردند، مورد تمسخر قرار می‌دادند و از ارتش به دلیل دخالت در سیاست انتقاد می‌کردند. دیروز، این حزب مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز و حزب مردم پاکستان بودند که ارتش را نقد می‌کردند. حالا، این کار را خان می‌کند. در آن زمان صدهای مقاومت در هم شکسته شد و اکنون نیز وضعیت به همین منوال است. دقیقاً همین اتفاق می‌افتد، اما در مقیاس بزرگتر. ارتش می‌خواهد اکنون اشتباه خود را برطرف کرده و حزب تحریک انصاف را از صحنه سیاسی خارج کند. به همین دلیل، استفاده از زور برای ارتش اجتناب‌ناپذیر است. با این وصف، به نظر می‌رسد که دخالت ارتش در سیاست پاکستان به هیچ وجه پایانی ندارد.

حزب تحریک انصاف برخلاف دو حزب مهم دیگر، مسلم لیگ شاخه نواز و حزب مردم پاکستان، یک حزب موروثی نیست. حزب خان محکوم به فروریختن مانند خانه کاغذی است. زمانی که او در قدرت بود، نمی‌توانست حزب خود را به چیزی تبدیل کند که بدون او دست نخورده باقی بماند. عمران خان تحریک انصاف پاکستان است و تحریک انصاف پاکستان عمران خان. این همان جایی است که برای خان مشکل ایجاد می‌شود و برای ارتش فرصت.

اکثر سیاستمدارانی که برای تامین منافع شخصی خود از احزاب دیگر به حزب تحریک انصاف آمده بودند، اکنون این حزب را ترک کرده‌اند. ارتش به‌طور صریح و ضمنی، سیاستمداران را تشویق می‌کند یا حتا آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد تا طرف خود را تغییر دهند.

طرفداران خشمگین تحریک انصاف پاکستان

به‌تازگی درک کرده‌اند که برتری نظامی مهم است و فهمیده‌اند که ارتش دولت‌های غیرنظامی را مانند ماشین‌هایی برای تامین منافع خود می‌بیند. طرفداران حزب تحریک انصاف به‌تازگی در می‌یابند که مهندسی سیاسی در پاکستان چگونه کار می‌کند. برای طرفداران خان، جنرال‌های نظامی که چند سال قبل از حزب تحریک انصاف برای تبدیل شدن به بزرگترین حزب سیاسی در پاکستان حمایت می‌کردند، خوب بودند، و همین جنرال‌ها اکنون به دلیل عدم حمایت از آن‌ها بد هستند.

مشکل حزب تحریک انصاف و دیگر احزاب سیاسی جریان اصلی این است که آن‌ها واقعاً طرفدار برتری غیرنظامی نیستند. اگر حزب تحریک انصاف واقعاً طرفدار حاکمیت پارلمانی بود، خان کمی انعطاف نشان می‌داد و با سایر رهبران غیرنظامی قبل از برکناری خود صحبت می‌کرد. در عوض، او محیط پر از خصومت را ایجاد کرد و سایر احزاب را مجبور ساخت تا برای استیضاح او با ارتش هماهنگ شوند.

حامیان حزب تحریک انصاف براساس طرز فکر «ما در برابر آن‌ها» از همبستگی بالایی در میان یکدیگر برخوردارند. حزب تحریک انصاف آن قدر به ساختن و تقویت ادعاها علیه مخالفان خود ادامه داد که بخش بزرگی از مردم به این روایت باورمند شده‌اند. آن‌ها خان را به‌عنوان ناجی معرفی کردند که می‌تواند پاکستان را از چنگ سیاستمداران «فاسد» و «موروثی» بیرون بکشد و این داستان را از طریق یک کمپاین رسانه‌ای بزرگ تقویت کردند.

با این حال، از آنجایی که رابطه حزب تحریک انصاف با ارتش مختل شده است، این حزب خود را در آب‌های عمیق غرق شده می‌بیند. ارتش تصمیم گرفت «پروژه پاکستان جدید» را که یک دهه پیش آغاز کرده بود در زمان خان متوقف کند که این موضوع منجر به دوقطبی شدن گسترده اجتماعی - سیاسی جامعه پاکستان شد.

در حال حاضر، روحانیت تا حد زیادی در مورد این موضوع سکوت کرده است. روحانیان تا حد زیادی از استفاده خان از دین در سیاست و تغییر شکل جامعه براساس خطوط محافظه‌کارانه خوشحال بودند.

قوه قضایی همیشه در تاریخ پاکستان کمک‌کننده ارتش بوده است. این بار ظاهراً خان از سوی قضات ارشد حمایت می‌شود، اما این برای خان کافی نیست تا در برابر طوفان بایستد. سیستم قضایی پاکستان ضعیف بوده و قادر به تامین عدالت برای مردم نیست. پاکستان در شاخص حاکمیت قانون در بین ۱۴۰ کشور در رتبه ۱۲۹ قرار دارد. علاوه بر آن، قوانین متعددی وجود دارد، از شریعت گرفته تا قوانین دموکراتیک اغلب با تفاسیر مبهم.

در عمل، تنها قانونی که غالب است، قانون مورفی است، به‌خصوص در مورد بازی‌های قدرت. اگر مشکلی پیش بیاید، این قانون اجرایی خواهد شد.

در آخر، اقتصاد پاکستان متلاشی شده، تورم در حال افزایش است و ذخایر خارجی هم در حال خشکیدن هستند. تغییرات اقلیمی روی محصولات کشاورزی تأثیرات منفی گذاشته و سرمایه‌گذاری‌ها در حال کاهش است. فرار مغزها افزایش یافته و از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی باعث ویرانی عظیمی شده و ابهام در مورد آینده را بیشتر کرده است.

طالبان: گزارش شورای امنیت یک‌جانبه است



۸ صبح، کابل: طالبان پس از نشر چهاردهمین گزارش تیم تحلیل و کمیته نظارت بر تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد، می‌گویند که این گزارش یک‌جانبه و نامتعادل است.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی عمومی طالبان، روز یکشنبه، ۲۱ جوزا، در بیانیه‌ای گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد این که طالبان از گروه‌های تروریستی از جمله القاعده، در برابر مخالفان‌شان کار می‌گیرند را غیرواقعی خواند.

در بیانیه طالبان آمده است: «این گزارش مبنی بر این که امارت اسلامی در حال کمک به مخالفان در کشورهای همسایه است و یا از خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر سوءاستفاده قرار می‌گیرد، به‌شدت رد می‌شود.»

گزارش تازه شورای امنیت سازمان ملل متحد، از اختلافات میان ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان و سراج‌الدین حقانی، وزیر امور داخله این گروه پرده برداشته است.

براساس این گزارش، حقانی می‌کوشد تا از طریق ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، هبت‌الله آخوندزاده را از رهبری این گروه خلع کند.

اما طالبان در واکنش به گزارش شورای امنیت، وجود اختلافات در میان رهبران‌شان را به‌شدت رد کرده و آن را «شایعات» خواندند. شورای امنیت سازمان ملل متحد در گزارش تازه‌اش مسوولان کلیدی طالبان را متهم به تولید و قاچاق مواد مخدر کرده و گفته که تولید شیشه در افغانستان افزایش یافته است. با این حال، در بیانیه این گروه بار دیگر تأکید شده است که تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور، کاهش پیدا کرده است.

از سویی دیگر، طالبان در این بیانیه تصریح کرده‌اند که نشر چنین گزارش‌ها نه‌تنها که بر امنیت جهانی کمک نمی‌کند، بلکه جایگاه سازمان ملل را خدشه‌دار می‌سازد.

در بیانیه طالبان آمده است: «امارت اسلامی افغانستان [طالبان] در پرتو رهنمودهای شریعت اسلامی، براساس تعهدات دوجانبه، چندجانبه و منافع ملی تصمیم‌گیری می‌کند و آماده‌گی دارد تا با رعایت منافع مشترک با جامعه جهانی به تعامل ادامه دهد.»

این در حالی است که کمیته تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود در مورد افغانستان نوشته است که طالبان رابطه محکم با القاعده، تحریک طالبان پاکستانی و سایر گروه‌های تروریستی دارند و اوضاع امنیتی در این کشور و منطقه رو به وخامت است.

نواک جوکوویچ با شکست کاسپر رود، برای سومین بار قهرمان جام رولان گاروس شد. دیدار نهایی این رقابت‌ها شام یکشنبه، ۱۱ جون، برگزار شد که جوکوویچ با نتیجه سه بر صفر پیروز شد. در این دیدار جوکوویچ صربستانی در سه ست با نتایج ۷ بر ۶، ۶ بر ۳ و ۷ بر ۵ پیروز این دیدار شد و جام قهرمانی را بالای سر برد. این قهرمانی، بیست‌وسومین گزند اسلم جوکوویچ حساب می‌شود. او اکنون با ۲۳ قهرمانی، بالاتر از رافائل نادال قرار می‌گیرد و پرافتخارترین تنس‌باز جهان حساب می‌شود. مرد شماره سوم تنس جهان، از سال ۲۰۰۵ تاکنون هفت بار به دیدار نهایی رقابت‌های اوپن فرانسه راه یافته است. نواک جوکوویچ در این هفت دور، سه بار قهرمان شده و چهار بار نیز به نایب قهرمانی دست یافته است.

دادستان کل پیشین امریکا: اگر اتهامات وارده علیه ترامپ درست باشد کارش تمام است

بربنیاد گزارش رویترز، دادستان پیشین امریکا این اظهارات را روز یکشنبه، ۱۱ جون، در جریان دفاع کیفرخواست جک اسمیت، بازرس ویژه وزارت عدلیه امریکا مطرح کرده است. او اضافه کرد: «من از میزان حساسیت این اسناد و تعداد آن‌ها شوکه هستم، و فکر می‌کنم قرار دادن چنین مواردی تحت قانون جاسوسی مینی بر این‌که وی عمداً این اسناد را حفظ کرده است محکم و مستدل است.» ویلیام بار تاکید کرد که حتی اگر نصف این اتهامات هم درست باشد کار ترامپ تمام است. ترامپ در کیفرخواست جدید توسط جک اسمیت، بازرس ویژه وزارت عدلیه امریکا با ۳۷ فقره اتهام روبرو شده است. رسانه‌های امریکایی گزارش داده‌اند در کیفرخواست صادر شده علیه رییس‌جمهور پیشین این کشور ۳۷ مورد اتهام علیه او در ارتباط با نگهداری اسناد محرمانه، مانع‌تراشی در اجرای عدالت و طرح بیانه‌های نادرست مطرح شده است.



ویلیام بار، دادستان پیشین ایالات متحده در دولت دونالد ترامپ می‌گوید که اگر اتهامات وارده به ترامپ در زمینه نگهداری اسناد محرمانه درست باشد، کار رییس‌جمهور پیشین این کشور تمام است.

شورای همکاری خلیج: آماده همکاری موثر با پرونده هسته‌ای ایران هستیم



شورای همکاری خلیج (GCC) از تمایل اعضای این شورا برای همکاری موثر با پرونده هسته‌ای ایران خبر داد. این شورا روز یکشنبه، ۱۱ جون، در نشستی در ریاض، پایتخت عربستان سعودی ضمن تاکید بر لزوم همکاری کامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، از تمایل اعضای خود برای همکاری و برخورد موثر با پرونده هسته‌ای ایران خبر داده است. شورای همکاری خلیج در عین حال تاکید کرده است که ایران باید با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل داشته باشد و از میزان غنی‌سازی یورانیوم فراتر نرود.

آنان در این نشست بر اهمیت مقابله با هر چیزی که علاوه بر حفاظت از امنیت دریایی و آبراه‌های منطقه، برای خطوط کشتی‌رانی، تجارت بین‌المللی و تاسیسات نفتی را تهدید ایجاد می‌کند، تاکید کرده‌اند.

گفتنی است که وزیران امور خارجه امریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس روز پنجشنبه هفته گذشته نیز با انتشار بیانیه‌ای مشترک ضمن اعلام حمایت از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بار دیگر از ایران خواستند که با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل کند.

ادعای حمله ناموفق اوکراین به کشتی روسیه در دریای سیاه

وزارت دفاع روسیه با نشر اعلامیه‌ای ادعا کرد که یک کشتی متعلق به این کشور مورد حمله ناموفق اوکراین قرار گرفته است.

این حمله روز یکشنبه، ۱۱ جون، زمانی رخ داده است که کشتی نیروی دریایی روسیه در حال گشت‌زنی در اطراف خطوط گاز طبیعی در دریای سیاه بود.

بربنیاد اعلامیه، کشتی «پریازووویه» برای تضمین امنیت خطوط لوله گاز ترک‌استریم و بلواستریم در جنوب شرقی دریای سیاه گشت‌زنی می‌کرد.

وزارت دفاع روسیه اضافه کرد که اوکراین در منطقه‌ای در حدود ۳۰۰ کیلومتری جنوب شرقی سواستوپل، مقر ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه به این کشتی حمله کرده است.

به گفته وزارت دفاع روسیه در زمان حمله اوکراینی‌ها یک هواپیمای جاسوسی امریکایی RQ-4 در منطقه نیز حضور داشت.

اوکراین تا کنون در این مورد چیزی نگفته است. روسیه و ترکیه در جنوری ۲۰۲۰ خط لوله ترک‌استریم را با ظرفیت ۳۱.۵ میلیارد متر مکعب در سال به طور رسمی راه‌اندازی کردند.

این خط لوله که به مسکو اجازه می‌دهد تا اوکراین را به عنوان یک مسیر ترانزیتی به اروپا دور بزند، گاز طبیعی روسیه را از طریق دریای سیاه و ترکیه به جنوب اروپا منتقل می‌کند.



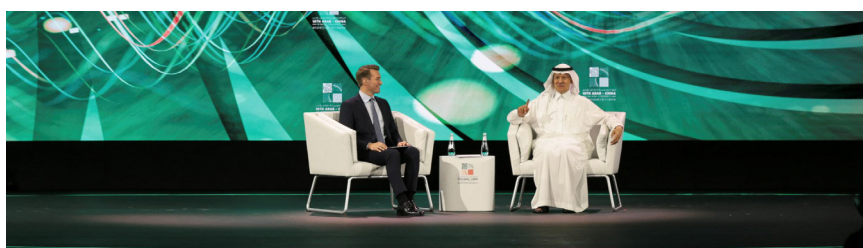
می‌دهد. براساس گزارش‌های نشر شده، نیروهای سومالی در چند ماه اخیر توانسته‌اند ده‌ها شهر، شهرک و روستاهای این کشور را از کنترل گروه الشباب آزاد کنند.

۱۹ عضو گروه الشباب در سومالیا کشته شدند

دولت سومالیا از کشته شدن ۱۹ عضو گروه الشباب در جنوب این کشور خبر داد. تلویزیون دولتی سومالیا روز یکشنبه، ۱۱ جون، به نقل از مقام‌های دولتی این کشور گزارش داده است که این افراد در پی یک عملیات نیروهای ارتش و نیروهای بین‌المللی، در شهرک «بولی محمد» ایالت هیرشیبیلی آن کشور در این حمله کشته شدند.

گروه موسوم به الشباب که کنترل برخی روستاها و شهرک‌ها در جنوب سومالیا را در دست دارد، به طور مکرر با بمب‌گذاری‌ها، نیروهای امنیتی و غیرنظامیان را در موگادیشو و شهرهای بزرگ این کشور هدف قرار

عربستان با چین یک قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری امضا کرد



میراث بگذاریم.» عبدالعزیز بن سلمان آل سعود، وزیر انرژی عربستان سعودی نیز گفته است که این کشور می‌خواهد با چین همکاری کند، نه رقابت.

او همچنان اضافه کرد: «تقاضای نفت در چین همچنان در حال افزایش است، بنابراین ما باید بخشی از این تقاضا را تامین کنیم.»

نشست تجاری دو روزه کشورهای عربی و چین روز یکشنبه، ۱۱ جون، در شهر ریاض با شرکت بازرگانان عرب و چین تحت شعار «همکاری برای رفاه» زیر نظر محمد بن سلمان، ولی‌عهد عربستان سعودی آغاز شده است.

این نشست به هدف تقویت و تحکیم همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین کشورهای عربی، چین و بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری داخلی برگزار شده است.

وزارت سرمایه‌گذاری عربستان سعودی از عقد قراردادی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار با شرکت‌های چینی خبر داد. بربنیاد گزارش رسانه‌های عربی، این قرارداد روز یکشنبه، ۱۱ جون، در جریان نخستین روز نشست تجاری مشترک میان کشورهای عربی و چین در ریاض، پایتخت عربستان سعودی امضا شده است.

خالد الفالح، وزیر سرمایه‌گذاری عربستان سعودی، در این نشست گفت که چین می‌تواند شریک استراتژیک برای توسعه خاورمیانه باشد.

او با اشاره به رشد روابط اقتصادی چین و عربستان گفت: «ما متعهد هستیم که پلی میان جهان عرب و چین باشیم.»

در همین حال، فیصل بن فرحان، وزیر خارجه این کشور افزود: «فناوری و قابلیت‌های چین به ما کمک می‌کند که آینده و اقتصاد خود را بسازیم و به نسل‌های آینده به

سه سرباز پاکستانی در نبرد باتی‌تی‌بی کشته شدند

رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که در نتیجه درگیری میان سربازان این کشور و جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) در منطقه میران‌شاه وزیرستان شمالی، سه نظامی این کشور کشته شده‌اند.

اکسپرس تریبون، گزارش داده که این درگیری جمعه‌شب، ۹ جون، رخ داده است. به گفته مقام‌های ارتش پاکستان، در این درگیری، سه جنگ‌جوی طالبان پاکستانی هم کشته و چهار تن دیگر شان زخمی شده‌اند. در بیانیه ارتش این کشور آمده است: «نیروهای مسلح پاکستان مصمم هستند تا تهدید تروریسم را از بین ببرند.»

وزیرستان شمالی در مرز با افغانستان، در این اواخر گواه درگیری‌ها میان اعضای تحریک طالبان پاکستانی و نظامیان این کشور بوده است. چندی پیش مرکز مطالعات استراتژیک پاکستان در اسلام‌آباد در گزارشی گفت که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، خشونت‌ها در پاکستان به‌ویژه وزیرستان شمالی افزایش یافته است.

براساس گزارش‌ها، وزیر داخله پاکستان از طالبان در کابل خواسته تا جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) را از مرزهای این دو کشور به نقاط دور دست افغانستان بفرستند.

